



محمد رضا منوچهری

کارشناس بازنشسته دانشکده کشاورزی

۱۳۸۴

اینجانب محمد رضا منوچهری در سال ۱۳۳۱ در شهرستان مسجد سلیمان در یک خانواده که اصالتاً شوشتری هستند، به دنیا آمدم. دوره شش ساله ابتدایی را در دبستان مودب و ششم بهمن و دوره شش ساله دوم را در رشته تجربی در دبیرستان سینا سپری نمودم و در مهرماه سال ۵۰ در رشته مکانیک خاک و آبیاری انستیتو تکنولوژی کشاورزی اهواز واقع در شهر دانشگاهی روبروی بیمارستان گلستان (منزل کوی مهندسی کنونی) پذیرفته شدم. پس از طی دوره دو ساله فوق دیپلم، در سال ۵۲ به خدمت نظام وظیفه اعزام شدم و بعد از دوره آموزشی، به عنوان سپاهی ترویج به شهرستان شوشتر روستای مهدی آباد رفتم سپس به اداره دامپزشکی مسجد سلیمان منتقل شدم. قبل از پایان دوره سربازی، جهت اشتغال به سازمان آب و برق خوزستان و کشت و صنعت کارون شوشتر و مرکز تولیدی و پژوهشی رامین وابسته به دانشگاه مراجعه کردم که در هر سه پذیرفته شدم ولی به جهت علاقه به ادامه تحصیل، مورد سوم یعنی اشتغال در رامین را برگزیدم. از این رو، در ۱۳۵۴ به عنوان تکنسین آزمایشگاه استخدام و در گروه آبیاری به سرپرستی مرحوم دکتر بهزاد، به کار مشغول شدم. گروه آبیاری و زهکشی در آن سال، طرح زهکشی ۸۰ هکتار زمین زیر سیستم آبیاری بارانی و راه اندازی دستگاه آبیاری و اداره تصفیه خانه مرکز را بر عهده داشت و لذا شرایط اقتضا می کرد که بطور شبانه روزی کار کنیم. این مرکز در زمان استخدام من، زیر نظر دکتر علی کاشانی عضو گروه زراعت فعالیت می کرد. در سال ۱۳۵۵ با استخدام تعداد دیگری کارشناس و تکنسین، فعالیت مرکز متحول شد. به یاد دارم که آقایان مهندس نادیان، بهرامی، شیرالی، بهتاش، دقیقیان، فاطمی و مرحوم دکتر نجفی و تکنسین هایی مانند آقایان قنوت، قبیته،

امیرزاده، خانم نوروزی در همین برهه به جمع ما پیوستند. از میان استادان آن روزگار می توانم به آقایان دکتر قبادیان، بزرگ چمی، حیدرپور، شهیدی، جراح باشی، معصومی و ایران منش، دانشور، کاظمیان، برادران، شایگان، سبزه خباز اشاره کنم. یاد همگی ایشان به خیر باد!

از اتفاقات سال ۱۳۵۵ بازدید اشرف پهلوی از دانشگاه جندی شاپور و گشایش سیستم آبیاری بارانی و ایستگاه دامپروری بود.

پس از آنکه دکتر کاشانی به فرصت مطالعاتی رفتند، دکتر هادی فرزدقی رئیس مرکز شدند و توانستند امور مرکز را سروسامان بهتری بدهند.

در دوره انقلاب، تکثیر اعلامیه های حضرت امام و توزیع آن در مساجد اهواز توسط تعدادی از پرسنل مرکز صورت می گرفت. در سال ۱۳۵۶ تعدادی دانشجو در رشته کشاورزی عمومی پذیرفته شدند که از میان آنان می توانم به دکتر بخشنده، مرحوم مهندس تلوری اشاره کنم.

من در سال ۵۷ ازدواج نمودم. همسر من در آن زمان دانشجوی رشته پرستاری دانشگاه جندی شاپور بود از این رو، چون ایشان در سال ۵۸ در بیمارستان گلستان مشغول به کار شدند، من هم از مرکز رامین به دانشکده کشاورزی اهواز منتقل شدم. در آن زمان، مرحوم دکتر بینا مدیر گروه آبیاری بودند و من به عنوان مسئول آزمایشگاه آبیاری عمومی مشغول به کار شدم. به یاد دارم در آن برهه، آقایان دکتر برومند نسب، قمی، آخوند علی، کاشفی پور، هوشمند و شمسایی رییس سازمان آب و برق خوزستان، از دانشجویان گروه بودند. در سال ۱۳۶۴ دکتر بهنیا مدیر گروه شدند و من نیز به گروه ماشینهای کشاورزی به مدیریت دکتر شیخ داوودی منتقل گردیدم. پس از چهار سال با همکاری و راهنمایی ایشان، من توانستم به تنهایی و بدون حضور استاد، عملیات درسهای ماشینهای کشاورزی و درس تخصصی تکنولوژی موتور را تدریس کنم. در این زمینه خود را مدیون دکتر شیخ داوودی و دکتر الماسی و دکتر بهرامی هستم. باید اعتراف کنم که فضای صمیمانه در میان اعضای این گروه مرا به ادامه خدمت در دانشگاه وابسته نمود.

در سال ۱۳۶۷ صاحب دو فرزند پسر و دختر دوقلو شدم. در ۱۳۷۰ بعد از شرکت در آزمون استخدامی کشوری، در پست کارشناس آزمایشگاه ادامه خدمت دادم. در سال ۱۳۸۲ در حالی که پسر و دخترم پانزده ساله بودند، همسر من به علت بیماری سرطان مرحوم شدند و دوران و شرایط سختی را در زندگی تجربه کردم. پسر من مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در رشته صنایع غذایی را گذراند و در حال حاضر در کارخانه الکل و

خمیرمایع زیر پوشش شرکت توسعه نیشکر مشغول به کار است و دخترم مدرک کارشناسی در رشته آمار را از دانشگاه شهید چمران اهواز دریافت کردند و اکنون صاحب یک فرزند است. در طول دوران دانش آموزی دو فرزندم، با انجمن اولیا و مربیان دبیرستان شهید ابراهیمی و شخص آقای ابراهیمی موسس مدارس شهید ابراهیمی، ارتباط تنگاتنگ داشتم.

در سال ۱۳۸۴ بازنشسته شدم. پس از بازنشستگی یکسال بطور رسمی و یکسال به صورت قراردادی با دانشگاه همکاری کردم و چهار سال نیز با دانشگاه آزاد اهواز همکاری نمودم.

موضوعی که در پایان باید به آن اشاره کنم عدم توجه متولیان دانشگاه به کارشناسان و تکنسین ها در گروه های آموزشی است. این مستخدمان به رغم همکاری در زمینه های آموزشی و پژوهشی و بعضاً درآمدزایی برای دانشگاه، آنگونه که شایسته زحمات ایشان است مورد توجه واقع نمی شوند. از این رو، لازم است تا این نامه های مالی و شیوه پرداخت به این رده سازمانی مورد بازنگری قرار گیرد.

به رغم این کمبودها من به نوبه ی خودم هنوز به دانشگاه و همکاران سابق عشق می ورزم و اگر عمرم تکرار شود همچنان دانشگاه را به عنوان محل خدمت اداری انتخاب خواهم کرد.